

نوشین استاد محمدی

کارشناس ارشد

زبان و ادب فارسی و

مدرس دانشگاه آزاد محلات

چکیده

نظامی با سرودن مثنوی خسرو و شیرین، تصویری روشن و ستوده از سیمای شیرین ترسیم نموده و چنان تأثیری در اذهان خوانندگان نهاد که صدها شاعر با وسوسه کسب چنان شهرت و محبوبیتی به تقلید از خسرو و شیرین نظامی همت گماشتند، اما هیچ یک از این مقلدان قادر به ترسیم دقیق چهره شیرین نبوده‌اند. نظامی همچون نگارگری که با حوصله تمام تصویری بی نقص می‌نگارد، شیرین را به طور برجسته ترسیم می‌کند. در این مقاله کوشش به عمل آمده است تا با تبیین دقیق چهره شیرین به پیش نمونه‌های این شخصیت در ذهن نظامی نیز پی ببریم.

کلید واژه‌ها:

نظامی گنجوی، شیرین، خسرو، پیش نمونه‌ها.

«شیرین»

برخی از مورخان ایرانی و عرب، شیرین را به علت اعتقاد به دین ترسایی رومی دانسته‌اند، اما چون نامش ایرانی است قول سبئوس (sebeas) مورخ ارمنی که عقیده داشت او از مردم خوزستان بوده است، قابل قبول به نظر می‌رسد. (بصاری، ۱۳۵۰: ۲۴)

در کتب قدیمی مانند غرر اخبار ملوک الفرس، روضة الصفا و همچنین شاهنامه فردوسی، شیرین از مردمان اصیل و از زنان بزرگ‌زاده دانسته نشده است. (ریاحی، ۱۳۷۶: ۸۵) بلکه نویسندگان این کتب، او را زنی می‌دانند که خسرو در هنگام جوانی پیش از آنکه به سلطنت برسد، به واسطه زیبایی و جمال فریبنده‌اش او را معشوق خویش قرار داده و بیشتر اوقات با او به سر می‌برده است.

خسرو پس از رسیدن به شاهی شیرین را فراموش می‌کند تا اینکه شیرین روزی که شاه قصد شکار داشته است، آرایشی به کمال می‌کند

و در غرفه‌ای خود را در منظر خسرو قرار می‌دهد. چون چشم خسرو به شیرین می‌افتد، عشق خاموشش دوباره زنده می‌شود. پس او را به یکی از کاخ‌های خود می‌فرستد و اراده می‌کند که موافق آیین او را زن رسمی خود کند. (شهبازی، ۱۳۶۶: ۷۰)

در ترجمه تاریخ طبری آمده است: «و کنیز کی بود شیرین نام که اندر همه ترک و روم از آن صورت زیباتر نبود. پرویز بفرمود تا آن کنیزک را نیز صورت کردند برای سنگ و ... پرویز فرمود تا وصف آن کنیزک بنوشتند و به روم کسی فرستاد و به ترکستان و اندر همه جهان تا یکی چون او بیارند و نیافتند کسی مانند او. (بلعمی، ج ۲، ص ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱)

براساس این گزارش از ترجمه تاریخ طبری می‌توان حدس زد که توصیف خسرو پرویز در نامه‌های عجیب او از زنی کامل عیار با بیانات ریدک خوش آرزو (غلامی که مورد توجه و لطف فراوان پرویز بود) و گفت‌وگوی او با پادشاه درباره زیباترین و مطبوع‌ترین زن در یک رساله پهلوی درج گردیده است، بسیار شباهت دارد و می‌توان گفت که آن توصیف در مورد شیرین صادق است. «بهترین زن آن است که پیوسته در اندیشه مهر و محبت مرد باشد. دل او را بخواهد و طبع به او مایل باشد. مطبوع‌ترین آن نه باید خیلی مسن و نه خیلی جوان، نه خیلی بزرگ و نه خیلی کوچک، نه خیلی لاغر و نه خیلی فربه باشد، اما از حیث اندام و هیئت نیکوترین زنان کسی است که سیمایی دل‌پذیر و طبعی جاذب، بالایی میانه، سینه‌ای فراخ و سر و سرین و گردنی خوش ساخت داشته باشد... و گیسوانش دراز و سیاه و مایل به سرخی باشد و ... و کم بگوید و بسیار محبوب باشد و هرگز گستاخ سخن نراند». (بصاری، ۱۳۵۰: ۳۱) در تاریخ از عشق شیرین به فرهاد و فرهاد به شیرین نیز مطالبی نوشته‌اند.

ابعد شخصیت شیرین

پرفروغ‌ترین چهرهٔ
داستان خسرو و
شیرین، بی‌تردید
«شیرین» است. نظامی
در یک سیر صعودی
و متعالی شخصیت
شیرین را چنان
پر داخت می‌کند که
بعد از او هر شاعری
تحت تأثیر و عاجز
از هر گونه آفرینش
مشابهی بوده است

و نسب بودن و خانواده‌دار بودن یک زن، نشانه‌ای است که می‌توان با تکیه بر آن از خوب بودن و مطابق با عرف و هنجار بودن زن اطمینان حاصل کرد. (به نقل از حسین‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۳) شخصیت شیرین از نظر ادبیات داستانی، شخصیتی پویاست. به عبارتی، او در جریان داستان دستخوش تغییر و تحولات عمده‌ای می‌شود. علل این تغییر و تحولات نیز در راستای اهداف داستان‌نویسی است. همچنین آنچه از کلیت داستان می‌توان نتیجه گرفت این است که شخصیت شیرین در ابتدای داستان شخصیتی ساده است «این نوع شخصیت‌ها هرگاه ظاهر شوند، به سهولت بازشناخته می‌شوند و دیدهٔ عاطفی خواننده به خوبی ایشان را تشخیص می‌دهد (یوسفی، ۱۳۵۲: ۱۱۰)، ولی در سیر داستان این‌گونه نمی‌ماند؛ تا جایی که باید اذعان داشت که شیرین شخصیتی بسیار پیچیده و استثنایی در ادبیات مردسالارانهٔ قدیم ایران است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۶)

پیش‌نمونهٔ شخصیت شیرین

پرفروغ‌ترین چهرهٔ داستان خسرو و شیرین، بی‌تردید «شیرین» است. نظامی در یک سیر صعودی و متعالی شخصیت شیرین را چنان پرداخت می‌کند که بعد از او هر شاعری تحت تأثیر و عاجز از هر گونه آفرینش مشابهی بوده است. «قهرمان واقعی سرتاسر منظومه و نقطهٔ مرکزی آن، بی‌گمان خسرو نیست، بلکه شیرین است. قهرمان شفاف‌انگیز ساحتی کامل و عالی دارد و تأثیر آن بر کل داستان غیرقابل انکار است. عواملی چند در صورت‌گیری پیش‌نمود (prototype) شیرین دخیل‌اند که در اینجا بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

دنباله‌مطلب در وبگاه نشریه

«و این کنیز «شیرین» آن بود که فرهاد برو عاشق شد، پرویز فرهاد را عقوبت کرد و به کوه کندن فرستاد». (بلعی، ج ۲: ۱۰۹۱) با نگاهی به آثار شاعرانهٔ غیر از اثر نظامی چنین برمی‌آید که شیرین (همچنان که از نظر تاریخی) از خاندانی اشرافی نبوده است؛ همچنین این زن زیبا کیش زردشتی نداشته و به همین علت، ازدواج خسرو با او مخالفت و خشم بزرگان و موبدان را برانگیخته است. (ریاحی، ۱۳۷۶: ۸۸)

در شاهنامه نیز می‌خوانیم که بزرگان پس از نکاح خسرو پرویز با شیرین به دیدار شاه نمی‌روند. روز چهارم خسرو همگان را احضار می‌کند و با نمایشی تمثیلی از تشتی که یک بار با خون و بار دیگر با گلاب عبیر پر می‌شود، ازدواج با شیرین را توجیه می‌کند، که اگر شیرین مانند این تشت خون بود:

کنون تشت می‌شد به مشکوی ما

بدین گونه بویا شد از بوی ما

و بدین گونه بزرگان را از این وصلت راضی نگه می‌دارد.

زن در ادبیات غنایی

قابلیت اصلی زنان این‌گروه، زیبایی جسمانی و همچنین جذابیت آن‌هاست؛ به ترتیبی که در اعمّ موارد، شاعر یا راوی داستان به منظور اشاره به چنین شخصیتی از واژهٔ معشوقه استفاده می‌کند اما زنان در ادبیات کلاسیک ما، تنها زمانی چهره‌ای مثبت، محبوب و دوست‌داشتنی دارند که یا از تبار شاهان و پاکان باشند یا عامل رشد و پیشرفت شخصیت مرد داستان گردند. شیرین در داستان خسرو و شیرین هر دوی این خصائل را داراست. نظامی به صراحت به شاهرزاده بودن شیرین اشاره کرده؛ زیرا «با اصل

از نگاه نظامی محوی